

## کنشگری کاربران ایرانی رسانه های اجتماعی مجازی در زوال و برساخت ارزش های اخلاقی رسانه؛ (مطالعه شش مورد رویداد در شبکه اینستاگرام)

دکتر علی اصغر کیا<sup>۱</sup>

ناهید سعادت سیرت<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله شش رویداد در رسانه اجتماعی اینستاگرام که در حال زوال و برساخت ارزش های اخلاقی و مورد بحث کاربران ایرانی قرار گرفته اند مطالعه شده است. این شش رویداد در فاصله سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام آغاز شد و دامنه بحث مربوط به آنها در سایر رسانه ها و وب سایت های فضای مجازی گسترش پیدا کرد. هدف از این پژوهش چگونگی زوال و برساخت ارزش های اخلاقی در شبکه اینستاگرام با رویکرد کنش ارتباطی (حوزه عمومی) یورگن هابرماس است. مطالعه به شیوه کیفی با رویکرد اکتشافی و برمبنای کامنت و نظرات کاربران حول این شش رویداد مبنای تحلیل بوده است. از میان هزاران کامنت کاربران فضای مجازی درباره هر رویداد مورد بررسی در مجموع ۲۹۶ کامنت برای تحلیل انتخاب شدند. این نظرات در قالب مدل کیفی برآمده از دل داده ها با عنوان «مدل کنشگری کاربران ایرانی» در برساخت و زوال ارزش های اخلاقی رسانه های اجتماعی مجازی (اینستاگرام) ارائه می شود.

**واژه های کلیدی:** رسانه های اجتماعی مجازی، اینستاگرام، کاربران، ارزش های اخلاقی، زوال و برساخت.

---

<sup>۱</sup> استاد و مدیر گروه روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

## مقدمه

اشاعه رسانه های مجازی در بین جوامع، بدون شک بر شیوه زندگی مردم دنیا، تأثیرگذار بوده است و به تبع آن، الگوهای رفتاری و اخلاقی جوانان ایرانی نیز متأثر از اشاعه سریع فرهنگ نوین سایر ملل و جوامع غربی است. از مهمترین دستاوردهای فناوریانه عصر دیجیتال، ظهور رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی است. به واسطه ظهور و گسترش این رسانه ها، امکان مشارکت گسترده کاربران در تعامل رسانه ای فراهم شده است. رسانه های اجتماعی ابزارهای اینترنتی هستند که بر مبنای قابلیت های فناوریانه وب ۲ ایجاد شده اند و امکان تولید و تبادل محتوای تولید شده توسط کاربران را فراهم می کنند (کاپلان و هانلین، ۲۰۱۰). وب ۲ دارای قابلیت هایی است از جمله به کاربران اجازه می دهد فعالیت بیشتری از بازیابی اطلاعات داشته باشند. وب ۲ شامل رسانه های اجتماعی مجازی است که در آن کاربران می توانند محتوا را تولید کرده و تعمیم دهند و در این فرایند برای اشتراک و استفاده مجدد از محتوا به طور آزادانه استفاده کنند (مارویک و بوید: ۲۰۱۴). با تغییر رویکرد مخاطبان رسانه ها از رسانه های ارتباط جمعی به رسانه های اجتماعی مجازی و با ورود مخاطبان رسانه ای به دنیای تولید رسانه ای در قالب کاربران اینترنتی که از طریق رسانه های اجتماعی امکان پذیر شده، حال اخلاق رسانه ای مفهومی بسیار گسترده تر پیدا کرده است. ارزش های اخلاقی در رسانه های مجازی مدام در حال زوال و بازتولید ارزش های اخلاقی هستند به گونه ای که کاربران به طور خودگزین به تولید محتوای ارزش های اخلاقی در جهت زوال و برساخت این ارزش ها می پردازند. هدف از این پژوهش نحوه زوال و بازسازی ارزش های اخلاقی در تقابل کاربران در شبکه اینستاگرام است اینکه چگونه در شبکه اینستاگرام همانگونه که ارزش های اخلاقی توسط کاربران زوال می یابند، برساخته نیز می شوند. بستر رسانه های مجازی سرفصل های اخلاقی جدیدی ایجاد کرده است. در عصر ارتباطات جمعی که مخاطبان دریافت کننده محتوای تولیدی رسانه های جمعی مانند تلویزیون بودند، مهمترین مباحث اخلاق رسانه ای به حوزه تولید محتوا مربوط می شد. این مقاله عنصر ارزش های اخلاقی در کنشگری کاربران را مورد هدف قرار داده است که در رسانه های اجتماعی مدام در حال تخریب و بازسازی این ارزش هاست. بدین منظور شش رویداد جنجالی در شبکه اجتماعی اینستاگرام که از جنبه های اخلاقی محل بحث کاربران ایرانی بودند مطالعه شده اند. این شش رویداد در فاصله سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام آغاز شده اند ولی دامنه مباحث مربوط به آنها در سایر رسانه های اجتماعی و وب سایت های مجازی گسترش پیدا کرده است. مطالعه به شیوه کیفی انجام شده و کامنت های کاربران حول این شش رویداد مبنای تحلیل بوده است.

## ادبیات نظری

شبکه های اجتماعی مجازی یا همان نسل دوم رسانه های جدید وسایل تولید محتوا را ارزان تر و دسترسی به آنها را آسان تر نموده اند در نتیجه بیشتر مردم این امکان را یافته اند تا نقش هایی را ایفا کنند که در گذشته از طرف رسانه های جریان اصلی صورت می گرفت. این ویژگی امکان قرار گرفتن در نقش تولید کننده رسانه ای برای اغلب شهروندان را ایجاد کرده است، هرچند در اخلاق رسانه ای به مفهوم کلاسیک آن غیر حرفه ای ها نیز نقش دارند، اما در اخلاق رسانه های اجتماعی غیر حرفه ای ها نقش کلیدی پیدا نموده اند. بنابراین افراد جدیدی که اکنون از این امکان برخوردار هستند، لزوماً کفایت یا تعهد اخلاقی ندارند و یا از التزام اخلاقی نقش حرفه ای نفعی نمی برند (اسپنس و همکاران: ۲۰۱۳، ۲۷). به عبارت دیگر بسیاری از افرادی که «روزنامه نگار-شهروند» نامیده می شوند، در خصوص مباحث تولید حرفه ای رسانه از جمله عینیت توجیه نیستند و یا لزومی به رعایت آن نمی بینند. با این حال کارشناسان اخلاق روزنامه نگاری نیز معترفند غیر منصفانه

است که تصور کنیم روزنامه نگاران شهروندی انگیزه های اخلاقی ندارند (اسپنس و همکاران: ۱۳۹۳، ۵۹). ورود به تحلیل اخلاقی این فضا از منظر اخلاق روزنامه نگاری، برای تحلیل رسانه های تعاملی جدید اینترنتی ناکافی است و فهم کاملی از تحولات اخلاقی در رسانه های اجتماعی حاصل نمی کند. از منظر اخلاق روزنامه نگاری حرفه ای، فعالیت شهروندان در تولید و انتشار محتوا یکی از تهدیدهای روزنامه نگاری حرفه ای در عصر جدید تلقی می شود (اسپنس و همکاران: ۱۳۹۳، ۱۱۲). پس اتخاذ رویکرد تحلیلی مناسب برای فهم جامع تر تحولات اخلاقی در رسانه های اجتماعی، مستلزم تجدید نظر در اخلاق روزنامه نگاری و گشودن فصل جدیدی تحت عنوان «اخلاق رسانه های اجتماعی» است. مصرف رسانه های اجتماعی پیامدهای اجتماع، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت و از این جهت این رسانه ها در سال های اخیر موضوع مطالعه علوم مختلف شده اند. اخلاق در عصر رسانه های اجتماعی موضوعی است که با گسترش استفاده از این رسانه ها به تازگی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا دیدگاه «تونیا ریس» قابل یادآوری است. از نگاه او حریم خصوصی، هویت دیجیتال، توازن قدرت و کنترل داده ها چهار مسئله اخلاقی اصلی مرتبط با این رسانه ها هستند و آینده فضای مجازی و زندگی در عصر جدید را رقم خواهند زد (مولایی، ۱۳۹۱). اول اینکه کاربران رسانه های اجتماعی بیش از هر چیز در سالهای اخیر با مسئله حریم خصوصی مواجه بوده اند. دومین مسئله هویت دیجیتال است. کاربران این امکان را پیدا کرده اند که با هویت های متفاوتی در رسانه ای اجتماعی به خصوص شبکه های اجتماعی آنلاین ظاهر شوند. سومین چالش اخلاقی تغییرات توازن قدرت و به صدا درآمدن صداهای خاموش است. سرانجام چهارمین مسئله کنترل داده ها است (ریس، ۲۰۱۱). در نتیجه مسئله اخلاق در رسانه های اجتماعی، مسئله ای چندبعدی و بسیار پیچیده تر از مباحث اخلاقی در رسانه های جمعی است. باید توجه داشت آنچه از اخلاق در این رویکرد و در این مقاله مدنظر است، تقابل های اخلاقی برآمده از تعاملات کاربران رسانه اجتماعی اینستاگرام در این حوزه عمومی است. از این نظر رویکرد پژوهشی این مقاله در پرداختن به اخلاق رسانه در حوزه اخلاق عملی است و متفاوت با اخلاق نظری می باشد. اخلاق عملی معمولاً به فلسفه درست و نادرستی نمی پردازد بلکه به آداب و سنن رایج اشاره دارد (هوسمن: ۱۳۸۸، ۲۲). در این زمینه معتمدنژاد اخلاق را از اصول اخلاقی متمایز می کند و اینگونه توضیح می دهد: «واژه اتیکس (اخلاق نظری یا اصول اخلاق) از زبان لاتین و کلمه «مورس» گرفته برداری شده است. اولی برای مشخص کردن معیارهای رفتار نیک و دومی برای معرفی کردن یک رویکرد خردگرا و حتی عملی و توجیهی، در مورد «قواعد رفتاری» به کارگرفته شده است (معتمدنژاد: ۱۳۸۵، ۳۵). بنابراین می توان گفت در حالی که دستورالعمل ها و قواعد اخلاقی در حوزه «اخلاق نظری» یا «اصول اخلاقی» است، آنچه از دل تعامل کاربران در حوزه عمومی رسانه های جدید حول محور اخلاق می گذرد در حوزه «اخلاق عملی» قابل گنجاندن است.

### کنش ارتباطی (حوزه عمومی) یورگن هابرماس

هابرماس ریشه های حوزه عمومی را درون سالن ها و مجامع عمومی بحث های آزاد و علنی قرن هجدهم جست و جو می کند: باشگاه ها، کافه ها، روزنامه ها و مطبوعات که در واقع طلایه دار و پیشگام روشنگری ادبی و سیاسی اروپا به شمار می رفتند. در این مجامع و مراکز مباحث متعدد و پرباری راجع به نقش سنت صورت می دادند (نوذری: ۱۳۸۹، ۴۳۴). حوزه عمومی بورژوازی در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گردهم می آمدند و عموم را شکل می دادند. این افراد به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیرسیطره خود درآورند و اقتدار دولت را به چالش بکشند. افزون

براین آنها موفق شدند درباره قواعد کلی که بر حوزه ذاتا خصوصی ولی مرتبط با حوزه عمومی مانند مبادله کالا و کار اجتماعی حاکم بود با صاحبان قدرت وارد بحث و مناظره شوند. براین اساس حوزه عمومی هابرماسی فضایی سیاسی است که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می شود و جماعت سیاسی شکل می گیرد. به این علت که ارتباطات افراد در وضعیت آرمانی گفت و گو از هرگونه اجباری رهاست، گفت و گو درحوزه عمومی می تواند به توسعه دموکراتیک در همه سطوح اجتماع منجر شود(ریبسی و همکاران:۱۳۹۱، ۹۶). مفهوم حوزه عمومی فضایی را برای تبادل نظر با اعضاء ایجاد می کند. این فضا باید مستقل از نهادهای دولتی بوده و از فشارهای بخش خصوصی و منافع تجاری نیز رها باشد. به عبارتی این فضایی است که رفتار یک شهروند خردگرا را تسهیل و تشویق می کند(کرنر:۱۳۹۲، ۴۲). به عقیده هابرماس گفت و گو در حوزه عمومی هنگامی نقش رهایی بخش خود را ایفا خواهد کرد که شرایط خاصی برقرار باشد. این شرایط از این قرارند: شکل و محتوای گفت و گو باید عقلانی - انتقادی باشد؛ در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفت و گو شود؛ و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست؛ شرکت کنندگان باید همه تفاوت ها و تمایزات میان خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفت و گو مشارکت نمایند؛ فرایند گفت و گو محدود به شکل گیری افکار عمومی است و هرگز نمی تواند به تصمیم سازی های عملی و اداری منتهی شود(میناوند:۱۳۸۵، ۱۲۵). «ابرین»<sup>۳</sup> در همین زمینه با اشاره به عقیده هابرماس، سه عنصر اصلی حوزه عمومی را اینگونه برمی شمارد: حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مجادله تجربیات اجتماعی و دیدگاه ها در آنها وجود داشته باشد؛ در حوزه عمومی مواجهه با دیدگاه ها و نقطه نظرات از طریق مباحثه عقلانی و منطقی صورت می گیرد؛ بازبینی و نظارت منظم و نقادانه بر سیاست های دولت، وظیفه اصلی حوزه عمومی است (مهدی زاده:۱۳۹۱، ۳۳). به طور کلی حوزه عمومی گونه ای فضای عمومی است که در آن: ۱. افراد به شیوه عقلانی به بحث می پردازند؛ ۲. این بحث به توافقی منجر می شود؛ ۳. قدرت در این بحث ها دخالتی ندارد؛ ۴. افراد همگی می توانند در این بحث ها به صورت برابر شرکت کنند؛ ۵. هر موضوع می تواند در این بحث ها مطرح شود؛ ۶. در این بحث ها علنی بودن وجود دارد یعنی افراد می توانند حتی مسائل خصوصی خود را مطرح و نتایج مباحث را در معرض عموم قرار دهند؛ ۷. این بحث ها همیشه باز است و همواره می توان به آن رجوع کرد و درباره درباره آن بحث کرد(ارمکی:۱۳۸۳، ۶۵).

### مروری بر مطالعات پیشین

برخی مطالعات حوزه اخلاق و رسانه های اجتماعی، جنبه های پیچیده تری از اخلاق در این فضای جدید را روشن کرده است. به عنوان نمونه مطالعه لایت و مک گراث<sup>۴</sup> درباره فیسبوک نشان داد این وب سایت شبکه اجتماعی، فارغ از کاربرانش دارای ارزش هایی اخلاقی است. به عبارت دیگر آنها درباره این حرف می زنند که چگونه تکنولوژی همانند انسان ها می تواند دارای شخصیت اخلاقی باشد. آنها با مطالعه کیفی در مدت دو سال و از طریق مشاهده مشارکتی، ساختار شبکه را تحلیل کرده و نشان داده اند مراحل از قبیل عضویت در وب سایت، ساخت و تکمیل پروفایل، به اشتراک گذاری محتوا و فعالیت های اطلاع رسانی در فیسبوک، مسائل مهمی از قبیل هویت، حریم خصوصی و امنیت را در این شبکه تعیین کرده و نقشی اخلاقی ایجاد کرده اند(لایت و مک گراث، ۲۰۱۰). همچنین در یکی از اولین مطالعات اخلاق رسانه های اجتماعی،

Obrien

<sup>۴</sup>Light, McGrath

به اخلاق وبلاگ نویسی توجه شده و تمایز بین دو گروه وبلاگ نویسان شخصی و غیرشخصی در توجه به اخلاق رسانه از طریق پیمایش مطالعه شده است. چهار بعد برای سنجش اخلاق مدنظر قرار گرفته: حقیقت گویی، استناد، مسئولیت پذیری و به حداقل رساندن آسیب. نتایج نشان داده وبلاگ نویسان غیر شخصی، در توجه به اخلاق رسانه ای بیشتر به روزنامه نگاران نزدیک هستند (سنت و همکاران، ۲۰۱۰). این مطالعه هرچند به اخلاق در رسانه های اجتماعی پرداخته اما از زاویه دید اخلاق روزنامه نگاری به این پدیده نگریسته است. در مقاله دیگر ارونن مجادلات اخلاقی در شبکه های اجتماعی حول شایعات مربوط به سلبریتی ها را با مطالعات ۹۰۰ کامنت انگلیسی و فنلاندی با شیوه ترکیبی کمی و کیفی مطالعه کرده است (ارونن، ۲۰۱۳). مطالعه او به چهار شیوه مجادله مبتنی بر قیاس ناکامل شامل نظری، عملی، مقوله ای و دیجیتال رسیده است. پژوهش از این منظر که اخلاق عملی را در سویه کاربران مطالعه کرده همسو با مقاله حاضر است.

جست و جو در منابع فارسی نیز نشان داد مطالعات اخلاق در فضای مجازی محدود بود و این حوزه جدید در ابتدای راه قرار دارد. یافته های سعیدی، حاجی حسینی و سعیدی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که متغیرهایی همچون میزان دسترسی به اینترنت، عدم توان مالی برای خرید نرم افزارها و محصولات فکری و همچنین نگرش اخلاقی دانشجویان بر نقض قانون حق نشر در اینترنت تأثیرگذار است. ببران، خانیکی و طاهریان (۱۳۹۳) رعایت اصول اخلاق حرفه ای در خبرهای خبرگزاری های رسمی ایران را مطالعه کرده اند. آنها نتیجه گیری کرده اند عدم رعایت اصول اخلاق حرفه ای در ۵۰ درصد از خبرگزاری های کشور را می توان در عواملی مانند: عدم وجود اصول اخلاق حرفه ای مدون برای رسانه های کشور، عدم وجود رسانه های خصوصی و دولتی بودن تمام رسانه ها، جست و جو کرد. در مطالعه دیگر صادقی آرانی، میر غفوری و ثابت (۱۳۹۲) تصمیم گیری های اخلاقی در فضای سایبری و عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر آن را در شهر یزد مورد توجه قرار داده اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد شکاف بین اعتقادات اخلاقی و عملکرد کاربران اینترنتی در شهرستان یزد معنادار نیست. یزد خواستی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان حوزه عمومی و گفت و گو در فضای مجازی شبکه های اجتماعی مجازی دریافته اند که هر چند ارتقای امکان برقراری ارتباط و داد و ستد اطلاعات در شبکه های اجتماعی مجازی امکان گفت و گو را ارتقاء می دهد، اما محدود و مخدوش کننده آن هم است. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان های مرتبط با اینگونه فناوری ها ناشی می شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی هم گفت و گو میان فرهنگ ها را مخدوش می کند. در واقع شبکه های اجتماعی مجازی به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می آورند، گفت و گو میان فرهنگ ها را محدود و مخدوش می کنند.

## روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده و در حوزه مطالعه ارتباطات رایانه ای (لیندلف و تیلور: ۱۳۸۸، ۳۰۹) قرار می گیرد. ارتباطات رایانه ای فرایندی است که از طریق آن انسان ها نقش کاربران می پذیرند و معنا را خلق، حفظ و منتقل می کنند (لیندلف و تیلور: ۱۳۸۸، ۳۱۱). برای مطالعه زوال و بر ساخت ارزش های اخلاقی در کنشگری کاربران رسانه های اجتماعی در دو سطح، نمونه هایی با رویکرد نمونه گیری نظری (گام به گام) (فلیک: ۱۳۸۸، ۱۳۸) انتخاب شده است. در سطح اول نمونه گیری، تقابل های ارزش های اخلاقی حول آن شکل گرفته، تعداد شش مورد انتخاب شده است. سپس در مورد هر رویداد با جست و جوی گسترده در میان منابع موجود در فضای مجازی، مباحث شکل گرفته حول رویداد شامل نظرات کاربران که در فضای مجازی «کامنت» یا «پست» گفته می شود، گردآوری شده است. رویداد جنجالی رویدادهایی

هستند که تعداد قابل توجهی از کاربران شبکه اینستاگرام از طریق انواع امکان های تولید یا بازنشر محتوا نسبت به آن واکنش نشان داده اند و همچنین رسانه های جریان اصلی اعم از مطبوعات، وب سایت های خبری و حتی شبکه های رادیویی و تلویزیونی نیز بدان توجه کرده و مطالبی درباره آن منتشر کرده اند.

این شش رویداد در سال های اخیر از ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام به وقوع پیوسته اند (نگاه کنید به جدول شماره ۱). اما این رویدادها به اینستاگرام محدود نمانده و دامنه مباحث مربوط به آنها در سایر رسانه های جمعی و وب سایت های فضای مجازی گسترش پیدا کرده است. از این رو در گردآوری نظرات کاربران فضای مجازی نیز نویسنده مقاله به یک رسانه اجتماعی یا وب سایت خاص محدود نمانده و تلاش کرده است در هر گوشه از فضای مجازی که بحثی حول رویداد شکل گرفته، مباحث را گردآوری کند.

جدول ۱: شش رویداد بحث برانگیز رسانه های اجتماعی که کنشگری ارزش های اخلاقی کاربران ایرانی حول آن شکل گرفته است

ردیف	رویداد بحث برانگیز	تاریخ	رسانه های اجتماعی آغازین
۱	حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام شبیم نعمت زاده در پی قاچاق دارو	۱۳۹۸	اینستاگرام
۲	انتشار ویدئویی از آتش زدن دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی	۱۳۹۸	اینستاگرام
۳	انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه افشار	۱۳۹۸	اینستاگرام
۴	درمان رایگان یک دندانپزشک از کودکی که در پی خشونت نامادری فک و دندان هایش شکسته شده بود	۱۳۹۷	اینستاگرام
۵	حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد جوان در پی به دنیا آمدن کودک وی در کانادا	۱۳۹۸	اینستاگرام
۶	انتشار فعالیت های بازسازی مدیر مدرسه ای در یکی از روستاهای کرمان در پی وقوع زلزله و تخریب بخش اعظمی از مدرسه	۱۳۹۷	اینستاگرام و آپارات

در سطح دوم نمونه گیری نیز از میان هزاران کامنت مطرح شده از سوی کاربران، تعدادی از آنها با رویکرد کیفی و هدفمند انتخاب شده است. انتخاب نمونه ها در هر دو سطح با رعایت قواعد پژوهش کیفی از طریق رفت و برگشت بین گردآوری و تحلیل داده صورت پذیرفته است (لیندولف و تیلاور: ۱۳۸۸، ۲۷۲). با کدگذاری و مقوله بندی نظرات کاربران، زمینه برای تحلیل این فضا فراهم شده که نتایج تحلیل را در بخش های بعد خواهیم آورد. برای این شش رویداد در مجموع ۲۹۶ کامنت به شیوه کیفی برای تحلیل انتخاب شدند.

## یافته ها

شش رویداد بحث انگیز مطالعه شده عبارتند از: جنجال تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام به شبیم نعمت زاده در پی قاچاق دارو (۷۲ کامنت)، انتشار ویدئویی از آتش زدن سحر خدایاری ملقب به دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی (۶۳ کامنت)، انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه افشار (۴۸ کامنت)، درمان رایگان و داوطلبانه یک دندانپزشک از دختر بچه شکنجه شده توسط نامادری اش (۳۹ کامنت)، حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد

جوان (کارگردان برنامه خندوانه تلویزیون) در پی رفتن وی و همسرش به کانادا و تولد فرزندش (۳۶ کامنت)، انتشار فعالیت های مدیر مدرسه یکی از روستاهای کرمان در پی بازسازی بخش اعظمی از مدرسه در پی وقوع زلزله (۳۸ کامنت). در ادامه به ترتیب این شش رویداد معرفی شده و با نقل قول مستقیم تعدادی از نظرات کاربران زمینه برای ارائه تحلیل نهایی در بخش جمع بندی فراهم می شود.

### ۱. مورد اول: حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام شبین نعمت زاده در پی قاچاق دارو

در اوایل آبان امسال بود که در پی رسانه ای شدن قاچاق دارو توسط شبین نعمت زاده، دختر وزیر پیشین از اخبار تلویزیون در اوایل آبان ۱۳۹۸ تعداد زیادی از کاربران ایرانی در صفحه اینستاگرام به شبین نعمت زاده دختر وزیر پیشین هجوم بردند. دقایقی بعد از رسانه ای شدن قاچاق دارو و محاکمه شبین نعمت زاده، کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام هجوم بردند و کامنت های فراوانی با مضامین شوخی و طنز و حتی گاهی فحاشی در این صفحه منتشر کردند (خبر ۲۰:۳۰ تلویزیون، ۱۳۹۸). این اولین مورد از حمله گسترده برخی از کاربران ایرانی به صفحه اجتماعی افراد سیاستمدار و مشهور نیست، ولی جدی ترین مورد تا این زمان به شمار می رود و بازتاب قابل توجهی در رسانه های جمعی داشت. پیش از این در جریان استیضاح وزیران، کاربران ایرانی اینستاگرام در صفحه علی نجفی شهردار سابق تهران اقدام مشابهی انجام داده بودند. پس از آن نیز مواردی مشابه حملاتی به مرجان شیخ الاسلامی اختلاس گر ساکن در کانادا در بهمن سال ۱۳۹۷ صورت پذیرفته بود. به نظر می رسد حمله به صفحات اجتماعی افراد سیاستمدار و اختلاس گران که اموال عمومی و بیت المال را به غارت می برند به یک رویداد تکرار شونده در فضای رسانه های اجتماعی تبدیل شده است. هر بار که چنین رویدادی اتفاق می افتد، با انعکاس آن در رسانه های جمعی، بحث و عمومی درباره این پدیده از موضع اخلاق روی می دهد. با در نظر گرفتن حمله به صفحه رسمی شبین نعمت زاده به عنوان مهم ترین رویداد از این نوع، هزاران کامنت کاربران درباره آن مرور شد و در نهایت ۷۲ کامنت مرتبط کاربران در فضای مجازی با دقت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. در موضوع قاچاق داروی تقلبی که جان میلیون ها فرد بی گناه را به مخاطره می اندازد، منتقدان و تحلیلگران سیاسی و بهداشتی را متوجه این اقدام کردند و گاه تعبیری همچون «خائن به مردم» (صبا، ۱۳۹۸) و «قاتل ساکت» (تابناک، ۱۳۹۸) درباره اقدام برخی کاربران به کار گرفتند و نسبت به آبروریزی و بی اعتباری سیاستمداران و وابستگان آنها هشدار دادند. در سویه کاربران نیز کامنت ها توافقی زیادی در مورد غیر اخلاقی بودن حمله به صفحه شبین نعمت زاده وجود داشت، هر چند که برخی کاربران نظرات متفاوتی را مطرح کردند. از جمله یک کاربر ناشناس نوشت:

- *اتفاقا من فکر می کنم رسوا کردن چنین افرادی که به دستگاه قدرت وصل هستند موجب می شود تا آگاهی بیشتری به مردم داده شود تا این تصور که ترویج فساد و ظلم برای طبقات پایین جامعه است و ربطی به طبقات بالای جامعه ندارد، از بین برود...*

- *فرد دیگری می گوید ریختن آبروی این افرادی که با جان و سلامتی مردم بازی می کنند تا کیسه های خود را پرکنن واجب است... تا وقتی که خودشان بر سر قدرت هستند یک جووری بیت المال را می چابند و بعد از خودشان هم فرزندان شان با دین و دنیا و جام و مال مردم بازی می کنن...*

چنین نظراتی که برخی از آنها با فحش های رکیک همراه است در کنار دیدگاه غیر اخلاقی بودن چنین رویدادی در شبکه های اجتماعی، نظر رقیب دیگری نیز وجود دارد که برخی کاربران حملاتی را بلا اشکال می دانند و شاید تکرار چنین حملاتی به صفحات سایر افراد سیاسی مشهور را بتوان از این زاویه متوجه شد. از زاویه دیگر می توان گفت خیلی از رفتارهای غیر اخلاقی پایه مشترکی دارند و فقط موقعیت های وقوع آنها تفاوت می کند. مثلاً فحش دادن به سیاستمداران

و فرزندان آنها در مواقعی که دست به تخطی و نقض قانون می زنند درست مشابه نوعی خشم فروخورده است که فضای گفتمانی رسانه های مجازی فرصت بروز به آن می دهند. تخلیه خشم صداهاى فروخورده همین نوشته ها و رفتارهایی است که در صفحات شبکه های مجازی رخ می دهد.

برخی کاربران فرضیه هایی درباره ماهیت حمله کنندگان مطرح کرده اند. از جمله یکی از کاربران اکثر حمله کنندگان را اقشار متوسط و افراد آسیب پذیر به لحاظ جسمانی و سلامتی دانسته اند که محصول زندگی سخت و بیماری هان صعب العلاج هستند:

- ..... این هم از فرزندان مسئولان مملکتی که به جای اینکه به فکر آسایش و سلامتی مردم شان باشند به فکر پر نمودن کیسه های شان هستند. باید به این مسئولان به خاطر تربیت و داشتن چنین فرزندانى تبریک گفت که خون ملت را به شیشه می گیرند.

کاربر دیگری به نام «محمد» فرضیه توطئه آمیز بودن این رویداد از طرف سازمان های معاند برای سرنگون کردن و چپاول مردم مطرح می کند. کاربران دیگر برای طرح دیدگاه هایشان از مطالب اعتراضی متفاوتی استفاده می کنند. به عنوان نمونه یک کاربر ناشناس به برداشتی که خودش از تاریخ دارد متوسل می شود و اینچنین می نویسد:

- به صلابه کشیدن مردم و منافع خود را به منافع مردم ترجیح دادن به دوره های قاجاریه برمی گردد. اینکه حکام برای رسیدن به غنائم بیشتر منافع و ترجیحات خود را به منافع عمومی برتری می دادند و همیشه مردم وسیله ای بودن که پایه های حکومت و پادشاهی آنها قوی تر شود. صد لعنت به این مزدوران رانت خوار که اصلا برایشان مهم نیست چه بلایی به سر مردم می آید.

این چنین طرح نظرهایی فراتر از موافق یا مخالف بودن در این تقابل است و نوعی ورود به بحث از منظر تحلیل گر، منتقد و متخصص دانای کل محسوب می شود. نمونه دیگر کاربری به نام «فرهاد» است که اینگونه به بحث وارد می شود که ریشه بحث را انسانیت و فرهنگ تکنولوژی می داند:

- به نظر من افرادی از این دست که از رانت و پایگاه اشراف زادگی خود در جهت هر امر خلای استفاده می کنند و زمانی هم که خلاف شان برملا می شود سعی در توجیح و لاپوشانی آن دارند هیچ چیزی برایشان جز خود و سود و منافع شخصی برایشان مهم نیست. اینها از انسانیت بویی نبرده اند و صرفا به دلیل آقا زادگی و وصل بودن به قدرت دست به هر کاری می زنند.

- اینکه در تلویزیون این افراد را با چهره ای محو و از دور نشان می دهند در واقع برای فریب مردم است. می خواهند بگویند ببینید ما قاجاق چیان را از هر دسته و طبقه ای که باشند را دستگیر و معرفی می کنیم. ولی این ظاهر قضیه است اگر یکی از این افراد را در ملاء عام قصاص کنند، دل مردم خنک می شود...

- کاربر دیگر می گوید اینکه هر فحش و ناسزایی را به مقامات و فرزندانشان بدهیم که درست نیست. راه حل را باید در چیز دیگری جستجو کرد..... استفاده درست از شبکه های اجتماعی مثل اینستاگرام هنوز در بین مردم جا نیفتاده .....

اما کاربر بی نام دیگر تحلیل متفاوتی از این رویداد دارد و به ماهیت جانی این پدیده اشاره می کند. از زاویه این نگاه چنین رفتارهایی در دنیای جهانی شدن ارتباطی امروز مختص ایرانیان نیست و پدیده جهانی نیست:

- این نوع حملات به صفحه افراد مشهور و مهم و سیاسی بدون آنکه علت کاری را که انجام داده اند را بدانیم در همه جای دنیا سابقه دارد. یک تعداد معدود هستن که دست به اینکار می زنن صرفا برای جلب توجه و ایجاد تنش و جریان خبری و شوکه کردن دیگران. کسی واقعا به هیچ وجه نمی تونه بگه اینها نماینده مردم یا حتی کاربران اینستاگرام هستن.



تعدادی از کاربران درخواست ورود درخواست قصاص و ورود مراجع قضایی برای برخورد با چنین مواردی که با جان و مال مردم بازی می کند را داشته اند، حال می خواهد قاچاقچیان افراد عادی باشند یا از وابستگان سران مملکتی باشند، از جمله «رامین» می نویسد «مراجع قضایی باید آنهایی را که از داخل این عمل را انجام می دهند را پیدا کنند و به خاطر چنین جرمی به مراجع قضایی معرفی و به اشد مجازات برسانند. و در مقابل کاربری به نام «عادل» می نویسد: این خانم به دلیل اینکه پدرش زمانی وزیر بوده است فکر می کند کسی نمی تواند به او انتقاد کند و از دماغ فیل افتاده است، اتفاقاً امثال چنین خائنینی از فرزندان مسئولان مملکتی هستند... باید اینها را در مقابل چشمان مردم مجازات کرد. مجید دیگر کاربر در خصوص این موضوع چاره کار را فرهنگ سازی می داند و می گوید: «به نظر من شفاف سازی در خصوص چنین قاچاق هایی که با جان مردم بازی می کنند و پول بیت المال را به یغما می برند باید از رسانه ها به خصوص تلویزیون و مطبوعات شروع شود». اما در این میان برخی از کاربران به ظرفیت شبکه های مجازی برای بیان انتقاد و بازگو کردن خشم فرو خورده اشاره می کنند. از جمله کاربر ناشناس می نویسد:

- دوستانی که نظرات توهین آمیز در صفحات رو دیدن لطفاً ریپورت کنید یا خود صفحه اهانت کننده رو ریپورت کنید تا حساب کار دستش بیاد... اینکه شبیتم نعمت زاده خاطی است شکی نیست ولی فحش و اهانت به شخصیت او دردی را درمان نمی کند. این چیزی است که این روزها در زیر پوست جامعه فراگیر شده ....
- کاربر دیگری به نام «کامران» می نویسد مرفه های بی درد به دنبال این هستند که با اعتبار و جان مردم پله های ترقی را بالا ببرند... گور پدر مردم که با این داروهای قاچاق می میرند یا پول ملت می رود به جیب یه عده مفت خور مثل دختر نعمت زاده....

## ۲. مورد دوم: انتشار ویدئویی از آتش زدن دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی

ویدئو مربوط به دختری است که طرفدار تیم مور علاقه خود استقلال است و می خواهد برای تشویق تیم مورد علاقه خود به ورزشگاه آزادی در مهر ماه ۱۳۹۸ برود ولی از ورود او به خاطر دختر بودن به ورزشگاه آزادی ممانعت به عمل می آید. حواشی آتش زدن خود با بنزین در مقابل نیروی انتظامی یکی از رویدادهای اجتماعی روزهای اخیر جامعه ایران بود. دختر آبی، دختری ۲۲ ساله است که در پی اعتراض به قانون منع ورود بانوان به ورزشگاه آزادی دست به خودسوزی می زند. گویی می خواهد با کشتن و خودسوزی خود از بی عدالتی و تبعیض جنسیتی در جامعه ایران انتقام بگیرد. پس از خودسوزی سحر خدایاری (دختر آبی) دختری که پس از بازداشت و دادگاهی شدن به اتهام تلاش برای ورود به ورزشگاه، خودسوزی اعتراضی کرده بود، در برخی از رسانه های اجتماعی از جمله یوتیوب و اینستاگرام ویدئویی از لحظات بنزین ریختن و آتش زدن دختر در مقابل نیروی انتظامی منتشر شد که با واکنش های تند و سریعی همراه شد. پس از آن موجی در رسانه ها به راه افتاد با این شعار که این ویدئو «جعلی و ساختگی است و آن را نبینید» (آمد نیوز، ۱۳۹۸). در تقابل های اخلاقی بسترهای متفاوتی برای طرح گفت و گو بین کاربران به وجود آمد. در این مورد علاوه بر اخلاق عمومی، مباحث از زاویه اخلاق رسانه ای مدنظر قرار داشت. تعداد قابل توجهی از کاربران با انتشار این ویدئو نوعی «اعتراض» به مرگ دختر جوان را برای مقابله با تبعیض جنسیتی پدید آوردند و گروه دیگری از کاربران به دلیل ناراحت کننده بودن این ویدئو نوعی «خودکنترلی» برای ندیدن این ویدئو را به سایر کاربران توصیه کردند. از آنجایی که نوعی بی اخلاقی در انتشار صحنه های روح خراش مرگ دختر جوان در شبکه های مجازی رخ داده است،

بحث های حول این رویداد نیز با تعصب هواداران دختر آبی دنبال شده و گاه فراتر از بحث های عادی بود. برای مثال «نسیم» می گوید:

- سلام دوستان. خدا نبخشه اونیه که این فیلم رو پخش کرد. من خودم فیلم رو نگاه نکردم. از شما هموطنان خواهش می کنم از بازنشر این ویدئوی دلخراش خودداری کنید.

کاربر دیگری به نام «الهام» می نویسد:

- اون کسی که این فیلم را در اون لحظه دلخراش خودسوزی گرفته به جای اینکه به سمت دختر جوان که از شدت عصبانیت دست به چنین کاری زده، برود و او را از خودسوزی پیشیمان کند. ایستاده و از این لحظه های دلخراش فیلم گرفته است.... متأسفم برای این افراد که بویی از انسانیت نبرده اند.

اشاره این کاربر به تجربه شخصی اش، در نظرات دیگری نیز مشاهده شد. از میان مجموع مطالب پیش برنده تقابل ها، این کاربران به تجربه های شخصی خود تکیه می کنند. «مریم» کاربر دیگری اینگونه نظر خود را مطرح می کند:

- ..... این ما هستیم که با ندیدن و حذف چنین ویدئوی دلخراشی می تونیم از انتشار و جریحه دار کردن روح دیگران جلوگیری کنیم. البته همه ما دختران معترض به راه ندادن زنان و دختران به ورزشگاه آزادی هستیم ولی اینکه لحظاتی از خودسوزی دلخراش دختر جوانی مایه سرگرمی برخی افراد شود و نوعی الگودهی را به دیگر دختران برای ناکامی در رسیدن به خواسته هایشان بدهد، خیلی اشتباه است....

تعداد زیادی از کاربران نیز اقدام به «رپورت کردن» این ویدئو به عنوان ویدئویی دارای تصاویر نامناسب و ضد انسانی کردند تا طبق قوانین رسانه های مجازی مانند آپارات و اینستاگرام این ویدئو حذف شود. این ویدئو در برخی وبسایت ها حذف شد و حتی جعلی خوانده شد، ولی بنا به خاصیت توزیع و ویروسی انتشار در شبکه توسط کاربران دیگری از نو آپلود می شد. یکی از طرفداران سحر خدایاری (دختر آبی) که از این اقدام به خشم آمده بود، ویدئویی در مدح و ستایش از این اقدام دختر آبی که با جسارت تمام برای اعتراض به این تبعیض جنسیتی جان خود را فدا کرده است گذاشتند.

تصویر شماره ۱: دو صحنه از ویدئوی دلخراش خودسوزی دختر آبی که هوادارانش با پیام های اعتراضی به آن پرداختند.



در این مورد تقریباً بر غیراخلاقی بودن لحظات خودسوزی دختر جوان که در شبکه اینستاگرام و آپارات گذاشته شده بود اجماع نظر وجود داشت. و اینکه دیدن این صحنه ها موجب آزار روحی کاربران می شود و حتی می تواند برای برخی دیگر از کاربران جوان که خواهان هیجان هستند به عنوان الگو قرار بگیرد. در ادامه سؤالات و بحث ها معطوف به این بود که فیلم را چه کسی گرفته و چه کسی منتشر کرده است؟ حتی برخی این فیلم را جعلی خواندند و آن را ساختگی پنداشتند. انگشت اتهام کاربران به مأموران نیروی انتظامی که از داخل نظاره گر این رویداد بودند تا عابران و رهگذرانی که از آنجا عبور می کرده اند می رفت. کاربران دیگری نیز ریشه رویداد را در عوامل فرهنگی- اجتماعی جست و جو می کردند. برای

به معنای گزارش تخلف دادن به وبسایت رسانه های اجتماعی برای حذف محتواهای خلاف مقررات وبسایت است. Report<sup>۷</sup>

مثال کاربر ناشناسی که خود را تحلیل گر و متخصص در ارائه راهکار برای صدا و سیما معرفی می کند و می نویسد: فرهنگ اعتراض و رسیدن به حق شهروندی را کی باید یادبده؟ صدا و سیما به جای پرداختن به مسائل حاشیه ای و داستان ها و سریال ها باید فرهنگ اعتراض و گرفتن حق را به مخاطبان یاد بده. باید هر روز به نیازمندی ها و مسائلی که جامعه با اون مواجه هست بپردازد...

کاربر دیگری از در نصیحت وارد ماجرا می شود به عنوان مثال «بهاره» می نویسد:

- ای کاش تو لحظه های آخری که تصمیم به خودسوزی گرفتی کسی بود و به تو می گفت این راه اعتراض نیست. آخه با نابود کردن خودت چه طوری می تونی به حقوق انسانی ات برسی...

### ۳. مورد سوم: انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه شخصی افشار

در اوایل پاییز امسال ۱۳۹۸ مهناز افشار بازیگر مشهور سینمای ایران عکس و توضیحاتی را در صفحه شخصی اینستاگرام خود منتشر کرد که مبنی بر جدایی او از همسرش یاسین رامین بود. البته این پیج با داشتن زمینه های قبلی از بازداشت همسر مهناز افشار مبنی بر وارد کردن شیر خشک های ناسالم به سرعت منتشر و جنجالی شد. مهناز افشار در صفحه اینستاگرام خود با گذاشتن یک عکس به همراه دخترش نوشت: «هر آدمی ضعیف یا قوی یک وجودی داره. ولی وقتی تصمیم می گیری یک مادر مجرد باشی باید دو تا وجود داشته باشی و اونارو برای خودت و فرزندت قوی تر هم بکنی» (تابناک، مهر ۱۳۹۸).



مهناز افشار که خرداد سال ۱۳۹۴ با یاسین رامین فرزند ارشد وزیر فرهنگ و ارشاد در دولت پیشین ازدواج کرده بود و از او صاحب یک فرزند دختر می باشد در مهر ماه امسال طی خبرهای جنجالی از همسرش .... جدایی اش از وی را علنی کرد و موجب واکنش بسیاری از کاربران فضای مجازی به این اقدام وی بود. پیامد این انتشار گسترده، شکل گیری بحث درباره ماهیت اقدام مهناز افشار بود و برخی اقدام او را غیراخلاقی دانستند زیرا زندگی خصوصی هر کسی به خود او مربوط است و نیاز به جار زدن ندارد. در مقابل مهناز افشار نیز مدافعانی همچون «هیوا» نیز داشت:

- زندگی کردن با فرزند یک فرد سیاسی به طور قطع تبعاتی نیز دارد. مهناز افشار در خانواده سیاسی همسرش جایی نداشت و وجه هنری او در این خانواده سیاسی که وصل به دولت پیشین بود خدشه دار می شد. این زندگی که با سیاست گره خوره بود بالاخره باید به جایی تمام می شد....

برخی کاربران نیز این اقدام مهناز افشار را در فضای متفاوتی ارزیابی کردند. مثلاً یکی از کاربران مدافع حقوق زنان با نام مستعار «بتی» نوشته است:

- زندگی کردن با کسی که با شهرت و اعتبار پدرش داره کار غیر انسانی یعنی وارد کردن شیر خشک فاسد می کنه واقعا سخته... بهت افتخار می کنم که تونستی خودت رو از این خانواده سیاسی و بادی به هر جهت نجات دهی.

در این مورد نیز ذخایر و مطالب پیش برنده زیادی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله کاربر دیگری با نام «یگانه» نیز از زاویه مذهبی این اقدام را ارزیابی می کند:

- ..... علنی کردن طلاق و به اطلاع همگان رساندن در فضای مجازی چیزی را اثبات نمی کنه جز اینکه شما حریم خصوصی تون را در معرض عموم قرار می دهید که خیلی شایسته شما بانوی هنرمند نیست...

#### ۴. مورد چهارم: درمان رایگان دندانپزشک از کودکی که در پی خشونت نامادری فک و دندان هایش شکسته شده بود

در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ اقدام انسان دوستانه و اخلاقی یک دندانپزشک جوان به نام دکتر ملکی برای مداوای فک و دندان های دختر بچه هشت ساله ای که در پی نابسامانی خانوادگی و خشونت نامادری مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود و دچار شکستگی فک و خرد شدن دندان هایش شده بود به بهزیستی شهرستان میانه معرفی شده و در پی انتشار این خبر که حاکی از مجروح شدن دختر بچه و بالا بودن هزینه درمان فک و دندان هایش مطرح شده بود. دندانپزشک جوان ۲۸ ساله ای با اعلام حمایت و درمان رایگان فک و دندان های دختر بچه موجب کامنت های زیادی از سوی کاربران فضای مجازی اینستاگرام شد. این خبر اولین بار در فضای مجازی منتشر شد و در پی آن از دندانپزشک جوان در یکی از برنامه های صبحگاهی تلویزیونی دعوت به عمل آمد و بعد از آن کاربران زیادی تقابل های اخلاقی در مذمت کودک آزاری نامادری و ستایش اقدام خیرخواهانه دکتر جوان برآمدند.

عکس های دختر بچه با صورتی مجروح موجب بحث کاربران در صفحات مجازی و باز انتشار عکس های دختر بچه در محیط اجتماعی مجازی جنجالی شد.

به نوشته یک رسانه «کاربران حدود ۱۸ هزار نظر نوشتند؛ نظرهایی که فقط نظر شخصی نیست و تعداد زیادی از آنها مربوط به درگیری های لفظی کاربران است. عده ای از این اقدام فجیع نامادری در پی کتک زدن و شکستن فک و دندان های دختر بچه بسیار ناراحت بودند و گروهی نیز عده ای نیز کودک آزاری نامادری را ناشی از بیمار بودن روان او دانسته و به گونه ای او را تبرئه می کردند. بدین ترتیب بحثی بین کاربران مجازی در گرفت که در بستر اخلاق عمومی و اخلاق رسانه ای روی می دهد. بحث های عمومی کاربران با مباحث اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی ذر هم آمیخته بود و حول مسئله کودک آزاری از یک سو و انسان دوستی از سوی دیگر جلو می رفت. در حوزه اخلاق رسانه نیز بحث اصلی بر سر انتشار عکس های مجروح دختر بچه در سطح گسترده مطرح شد که زیر عنوان حریم خصوصی از گذشته نیز مطرح است. عده ای از غیر اخلاقی بودن اقدام نامادری و انتشار عکس های دختر بچه سخن گفتن و این کار را جریحه دار کردن احساسات عموم مردم خواندند، اما برخی دیگر از کاربران به ستایش این کار انسان دوستانه و اخلاقی و انسانی دندانپزشک جوان پرداختند. به عنوان نمونه کاربری با عنوان «مهین» می نویسد:

- وقتی این اقدام ارزنده دکتر جوان را در پی مداوای فک و دندان دختر بچه در شبکه اینستاگرام دیدم از یک سو خوشحال شدم که هنوز هم انسانیت و نوع دوستی در این سرزمین وجود دارد ولی از سوی دیگر از گذاشتن عکس کودک با صورتی مجروح ناراحت شدم....

کاربر دیگری با نام «دنیا» باز نشر این اقدام خیرخواهانه دکتر جوان را واجب می داند و می گوید تا آنجا که لازم باشد این کار خیرخواهانه دکتر در پی مداوای رایگان دختر بچه را انتشار می دهم تا بلکه سرمشقی برای سایر پزشکان باشد که بدون هزینه های سنگین اقدام به مداوای بیماران بی بضاعت نمی کنن ....

- برایم خیلی جالب بود که پزشکی چنین جوان و در بدو کار که در یک منطقه محروم کار می کند پشت پا به مادیات می زند و با مداوای رایگان فک و دندان دختر بچه به او مهربانی و عزت نفس هدیه می دهد....
- هنوز انسانیت نمرده ... و هنوز هم هستند که پا روی دلشون می گذارند و دل دیگران رو شاد می کنن...
- اگر چه دنیا آدم های بد زیاد داره که حتی به کودکان معصوم هم رحم نمی کنند ولی وجود فرشتگانی چون این پزشک جوان که با دیدن این خبر در شبکه های اجتماعی پیش قدم در درمان این کودک می شود شایسته تقدیر از تلویزیون است .... همه باید بفهمند که دوستی و انسانیت نمرده است...

کاربر دیگری در پی این اقدام دکتر جوان می نویسد:

- این اقدام این دکتر جوان علاوه بر اینکه انسان دوستی او را همگانی کرد موجب شهرت و معروفیت او شد زیرا او بدون توجه به هزینه های درمان و صرفا به خاطر کمک به دختر بچه بی نوا دست به این اقدام زده، پس خدا هم مهر او را به دل بندگانش می اندازد....

از این دست کامنت ها که در مذمت و نکوهش نامادری برای شکنجه کودک و ستایش دکتر جوان برای درمان رایگان او بسیار در صفحه اینستاگرام دکتر جوان دیده می شود. کاربری به نام «هستی» به چنین نظراتی واکنش نشان می دهد و در مقام یک تحلیل گر اجتماعی ظاهر شده و از موضع دانای کل خود فراتر رفته و موضع گیری در **دوقطب موافق - مخالف** را تعریف کرده و می نویسد:

- .... این همه ناسزا که در صفحات این دختر بچه نثار نامادری اش کردند، جدا از اینکه کار بیهوده ای است و اوج خشونت کلامی را می رساند. مسئله مهمی است، اینکه جامعه ما چقدر متخصص در قضاوت مشکلات خانوادگی هستند. اینکه ما ندانیم علت اینکه این نامادری دست به این اقدام شنیع نموده است، نمی توانیم به این راحتی قضاوتش کنیم. باید مسائل و مشکلات خانوادگی به صورت عمیق بررسی و درمان شود با فحش و ناسزا کاری درست نمی شود....
- کاربران دیگری همچون «سعید» نیز با پیش کشیدن خشونت علیه کودکان امری مذموم و نکوهیده است اقدام به دفاع عمومی از اقدام کاربران می کنند تا تفکیک سطوح اخلاق عمومی و اخلاق رسانه ای در این رویداد دشوارتر شود:
- کودکان و حیوانات به دلیل ناتوانی و بی دفاع بودن ممکن است مورد تعرض و خشونت قرار بگیرند. خشونت علیه کودکان عامل این فحاشی هاست. باید ارگان اجتماعی وجود داشته باشد که بتواند از کودکانی که در خانواده های نابسامان و کودکان طلاق ورود پیدا کنند و از کودکان در پی خشونت خانوادگی حفاظت نمایند. متأسفانه دستگاه های اجرایی به چنین آسیب های اجتماعی بی توجهی می کنند و خانواده ها فکر می کنند چون کودک را آنها به دنیا آورده اند و والدین کودک می باشند می توانند هر کاری در پی تنبیه با کودکانشان انجام دهند...

یکی دیگر از **ذخائر پیش برنده**، مرتبط کردن با رویدادهای مشابه است که محور بحث تعداد دیگری از کاربران از جمله «معصومه» بوده و این رویداد را شبیه انسان کشی دانسته است. این کاربر «سایر رویدادهای رسانه های اجتماعی» را به عنوان **پیش برنده بحث در این تقابل دو اقدام اخلاقی** به کار گرفته است:

- .... دوستان در پی هر سیاهی یک سفیدی هم هست.... اگر اون نامادری بنا به هر دلیلی که اصلا قابل توجیح نیست دست به شکنجه فرزند خوانده اش نموده است.... دکتري وجود دارد که درد و رنج کودک شکنجه شده را تسکین می دهد و با مهربانی زیبایی و عزت نفس را به او هدیه می دهد.
- کاربر دیگری به نام «سیما» می نویسد: دکتر جان واقعا از شما باید کیسه کیسه باشند.... پزشکی که چشم به روی مال دنیا ببندد و فقط به خاطر التیام یک کودک رنج کشیده، پیش قدم شده و رایگان او را درمان کنند هم زیبایی ظاهری را به او هدیه می دهند و هم روح رنج کشیده اش را تسکین می دهند....

## ۵. مورد پنجم: حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد جوان در پی به دنیا آمدن کودک وی در کانادا

یک وب سایت خبری در تیرماه ۱۳۹۸ گزارش می دهد «رامبد جوان کارگردان برنامه تلویزیونی خندوانه برای صحنه برداری از فیلمی که در حال ساختن آن هست به همراه همسرش به کانادا سفر کرده است. در پی انتشار این خبر موجی از واکنش های کاربران را در صفحه اینستاگرامی رامبد جوان در پی داشت. عده ای از کاربران انگ ضد اخلاقی به سفر رامبد جوان زدند و عنوان کردند علت سفر او و همسرش به کشور کانادا به دنیا آمدن فرزندشان در این کشور و گرفتن تابعیت یک کشور اروپایی برای فرزندش می باشد. سپس عکسی از رامبد جوان و همسرش نگار جواهریان در حال خرید کردن در یکی از شهرهای کانادا منتشر شد. این گزارش و تصویر مرتبط با آن به سرعت در وب سایت های دیگر و برخی رسانه های اجتماعی بازنشر داده شد و بحثی جدی در مورد جنبه های غیر اخلاقی انتشار عکس همسر باردار رامبد جوان بدون پوشش و حجاب شکل گرفت.

بحث درباره این رویداد در سه بستر اخلاق عمومی، اخلاق رسانه های اجتماعی و اخلاق فردی شکل گرفت. بسیاری از کاربران از این اقدام رامبد جوان عصبانیت بودند و نظراتی با مضمون غیر اخلاقی بودن این اقدام منتشر کردند. اینکه کسی که در برنامه خندوانه دم از میهن پرستی و ایران دوستی می زند ولی موقع تولد فرزند خویش به کشور کانادا می رود که فرزندش شهروند یک کشور درجه یک شود. در این راستا حتی هنرمندان نیز لب به اعتراض گشودند. در مقابل کاربران دیگری که به نظر می رسید از ذخائر پیش برنده استفاده می کنند؛ مثلاً هنرمندان یا افرادی هستند که برای فرزندانشان تابعیت کشور دیگری را گرفته اند به دفاع از رامبد جوان پرداختند و اتهام غیر اخلاقی بودن آن را رد کردند. به نظر می رسد آنها به تجربه شخصی خود به عنوان عامل پیش برنده بحث تکیه دارند. نمونه ای از کامنت ها که توسط یک کاربر ناشناس نوشته و منتشر شده است :

- ..... زندگی خصوصی و حرفه ای افراد و هنرمندان جدا از یکدیگر است. ممکن است فردی به اقتضای شغلی که دارد، برنامه ای بسازد که وطن خواهی و میهن پرستی باشد ولی بخواهد برای تأمین آینده فرزند خویش برای او تابعیت یک کشور اروپایی را بگیرد... به نظر من اینکه زندگی شخصی و اجتماعی را با یکدیگر قاطی می کنن امری ناصواب است... در رد کردن این کامنت کاربر دیگری می گوید:

- شعار دادن کار اصلی ما ایرانی ها شده آخه یکی نیست به این رامبد جوان بگه تو که دم از خوشحال بودن و حال خوب و خندیدن به شرایط زندگی در مواقع سختی را توصیه می کنی ... پس چرا برای اینکه فرزندت آینده بهتری داشته باشه موقع تولدش به کشور کانادا می روی، تازه اون هم به بهانه ساختن فیلم ... مردم رو چی فرض کردی...

برخی کاربران نیز به عنوان راوی اعظم نگاهی انتقادی به صدا و سیما دارند و می گویند چرا با آوردن هنرمندانی چون رامبد جوان و الگو قرار دادن آنها باعث می شوند تا اعتماد مردم به حرف هایی که در برنامه می زنند جلب شود ولی در عمل این سلبریتی های مشهور به طریقی ضد آنچه که خود می گویند عمل می کنند. در این زمینه کاربری به نام «مونا» می نویسد:

- واقعا این رامبد جوان شورش رو درآورده فقط و فقط میاد شعار میدهد .... البته مرگ خوبه ولی برای همسایه ... تو برنامه خندوانه شعار میدی ما باید دست به دست هم بدهیم و کشورمون رو بسازیم بعد ایران را در حدی نمی بینی که فرزندت بخواهد تابعیت ایرانی بگیره... خیلی خنده داره... شعار دادن به هنرمندان ما نیز سرایت کرده...  
- دلیل نمی شود چون طرف برنامه ساز یه برنامه تلویزیونی بوده بخواد زندگی شخصی خودش رو محدود کنه و جایی که دوست داره زندگی نکنه یا فرزندش رو به دنیا نیاره...

کاربران دیگری نیز به پاسخ گویی به چنین دفاع هایی پرداختند تا بحثی طولانی و دامنه دار ایجاد شده و یکی از مواردی شکل بگیرد که اجماعی بودن یا نبودن آن وجود نداشته باشد:

- .... عزیزان کسی که برنامه ساز و مجری یک برنامه پربیننده و شاد هست... و ادعا داره حرفی که می زنه به اون اعتقاد داره و بهش عمل می کنه و سعی می کنه در برنامه هاش روحیه امیدواری و وطن پرستی را به مردم تزریق کنه و اینکه هیچ جای دنیا ایران همیشه ولی وقتی به عمل می رسه و پای منافع شخصی و خانوادگی اش به میان میاد ضد حرف هاش عمل می کنه دیگه اعتباری برای اون نمی مونه....
- رامبد واقعا برات متأسفیم که اینقدر وطن فروش و خودباخته ای و فرزند خودت رو تافته جدا بافته از فرزندان کشورت می دانی و....

مهمترین بحث در این رویداد **حول محور «حریم خصوصی»** شکل گرفت و اختلاف نظر کاربران بر این بود که آیا حریم خصوصی هنرمندان از طریق انتشار عکس شان که به صورت مخفیانه در خارج از کشور گرفته می شود و از طریق اینستاگرام منتشر می شود می تواند اعتبار عمومی فرد را در انظار مردمی خدشه دار کند. برخی از کاربران که عقیده بر شکسته شدن حریم خصوصی داشتند خواستار مقابله با خاطیان شدند. به عنوان مثال «لیلا» نوشته است:

- اینکه افراد به خود اجازه می دهند با دوربین تلفن همراه خود هر لحظه که فردی را در هر جای دنیا و با هر پوششی که دارد از او عکس و فیلم بگیرند و موجب آبروریزی و یا افشای زندگی شخص اش بشوند عمل نادرستی است....
- برخی از کاربران نیز برای پیشبرد بحث هایشان درباره حفظ حریم خصوصی افراد و اخلاق رسانه ای حول محور حریم خصوصی به تجربه های شخصی شان در موارد مشابه اشاره کردند:
- در یک اردوی تفریحی با دوستانم عکس گرفتم و اصلا فکر نمی کردم فردای آن روز عکس ها بدون اجازه از من در صفحه اینستاگرام شان منتشر شود....
- عکس های عروسی ام توسط فردی که از مراسم عروسی مان فیلمبرداری کرده بود و با شوهرم غرض شخصی داشت در اینستاگرام پخش شد....

نمونه هایی از **عدم رعایت حریم خصوصی افراد** در فضای مجازی در پخش ویدئو های بدون حجاب آزاده نامداری در کشور سوئیس و ستاره اسکندری در کشور ترکیه وجود دارد که توسط افراد بی اخلاق در موقعی که فرد اصلا متوجه نیست از او فیلم و عکس گرفته می شود و در صفحات فضای مجازی منتشر می شود. این عمل غیر اخلاقی می تواند آینده زندگی شخصی فرد یا حرفه او و به طور کلی زندگی روزمره فرد مورد نظر را به مخاطره بیندازد.

## ۶. مورد ششم: انتشار فعالیت های بازسازی مدیر مدرسه ای در یکی از روستاهای کرمان در پی وقوع زلزله و تخریب بخشی از مدرسه

در پی انتشار خبری در مورد مدیر مدرسه ای در یکی از شهرستان های دورافتاده کرمان که در تعطیلات تابستان خود و سایر معلمان کادر مدرسه اش به عنوان کارگر و نیروی کار دست به مرمت و بازسازی مدرسه کردند و به جای اینکه بخش اعظمی از بودجه بازسازی مدرسه را به نیروهای کارگر بدهند خود به عنوان نیروی کاری به بنایی و بازسازی مدرسه پرداختند تا با شروع سال تحصیلی نوجوانان بتوانند به راحتی و بدون دغدغه به تحصیل خود بپردازند (مرداد ۱۳۹۷). با انتشار این خبر در صفحه اینستاگرام یکی از کاربران و انتشار وسیع آن، در بخش خبری ۳۰:۲۰ تلویزیون یک گزارش خبری

از این اقدام اخلاقی و انسان دوستانه مدیر مدرسه پخش شد. این گزارش خبری به واکنش های کاربران در فضای مجازی بعد وسیعی داد و تقابل های اخلاقی در تأیید یا رد کردن این عمل مدیر مدرسه توسط کاربران صورت گرفت. به عنوان نمونه کاربری با عنوان «مهدی» می نویسد:

- کار مدیر مدرسه بسیار باارزش و فداکارانه است ولی این باعث نمیشه که مسئولین از وظایف خود شانه خالی کنند. پس بودجه های آموزش و پرورش کجا می رود که مدیر مدرسه باید از جیب و جان خودش برای بازسازی مدرسه هزینه کند....
- کاربر ناشناسی کامنت گذاشته: «گاهی اوقات عشق به آموزش و یادگیری باعث میشه معلمان سود شخصی را در نظر نگیرند و فقط با عشق برای تربیت نوجوانان قدم بردارند... جای تقدیر داره به خدا.

در این رویداد برخی منتقدان فرهنگی غیر اخلاقی بودن این اتفاق را در قالب پایین آوردن شغل معلمان در حد کارگر مورد تحلیل قرار داده اند که از جمله آنها یادداشتی با عنوان «شخصیت معلمان را در حد یک کارگر تنزل می دهند» ولی ادعای نویسنده با مخالفت جدی برخی کاربران فضای مجازی مواجه شد و بحثی جدی شکل گرفت که آیا به راستی امری غیر اخلاقی صورت گرفته است؟

در میان کاربران نخست بحثی در حوزه اخلاق رسانه های جمعی و تلویزیون شکل گرفت و درباره اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن پخش گزارش خبری در مورد کار کردن مدیر و معلمان یک مدرسه در یک منطقه محروم برای استفاده دانش آموزان در اول مهر صورت گرفت.

بسیاری از کاربران این اقدام انسان دوستانه مدیر و معلمان مدرسه را انتشار نوعی اخلاق گرایی در دنیای مدرن امروزه دانسته اند که هر کسی به دنبال منفعت بیشمار است و هیچ کس نمی خواهد به خاطر آسایش دیگری از رفاه خود بگذرد ولی در چنین فضایی اقدام انسان دوستانه مدیر و معلمان مدرسه بهجت در یکی از روستاهای کرمان موجب می شود موج مثبتی از نظرات کاربران در مورد این اقدام و انتشار سریع آن در فضای مجازی اینستاگرام صورت بگیرد. کاربری به نام «مجید» می نویسد:

- به نظر من انتشار فیلم از کار کردن مدیر و معلمان «مدرسه بهجت» در اینستاگرام موجب توجه اخبار تلویزیونی به این امر اخلاقی شد....
- کاربر دیگری به نام «فاطمه» می نویسد: واقعا معلمی شغل انبیاست و اگر معلمی برای آموزش دانش آموزان خود دست به کارگری بزند نه تنها شخصیت او را پایین نمی آورد بلکه به او وجه بیشتری هم می دهد... من فکر نمی کنم معلمان این مدرسه به کمک به ساخت مدرسه برای مهر ماه کوچک و حقیر شده باشند....
- پس این بودجه آموزش و پرورش کجا می رود که معلمان با این حقوق های بخور و نمیری باید به ساخت مدرسه هم بپردازند... کمی مسئولان تأمل کنن....

از این دست کامنت هایی در مورد یک رویداد اجتماعی که ابتدا در فضای مجازی جرقه اش زده می شود و به دنبال آن رسانه های اصلی چون تلویزیون به ارائه گزارش مفصلی از آن می پردازند زیاد است.

کاربر دیگری به نام «مسعود» اخلاقی و آموزنده بودن این امر را در فضای مجازی تأیید می کند و معتقد است این رویداد مهم نه تنها موجب پایین آمدن شأن معلمان نمی شود بلکه نوعی الگودهی به سایر اقشار جامعه و نوعی آموزش به دانش آموزان است که معلمان ایثارگر به طور عملی به آنها می آموزند. او بحث اخلاق و بر ساخت یک امر اجتماعی را از طریق اخلاق بیان می کند و می نویسد:

- نه تنها انتشار ویدئو از معلمان ایثارگر موجب تنزل شخصیت آنها نشد بلکه نوعی مقام آنها را رفیع تر نمود و به دانش آموزان به طور عملی درس ایثار و عشق و فداکاری را آموخت... انتشار این ویدئو در فضای اینستاگرام و انتشار وسیع آن از



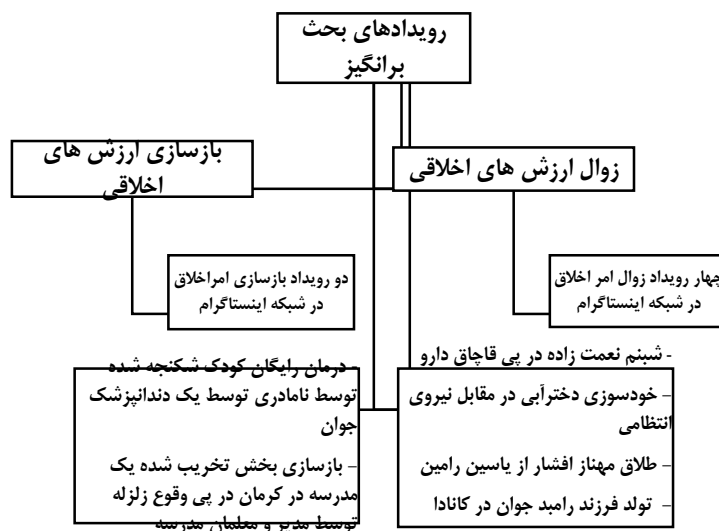
طریق گزارش خبری صدا و سیما موجب همه گیر شدن این اقدام فداکارانه معلمان شد .... در غیر اینصورت در گوشه ای از شهر کرمان پنهان می ماند. فضای مجازی این فرصت را فراهم نمود تا این عمل اخلاقی و انسانی بازنشر و به اطلاع همگان برسد...

### جمع بندی شش مورد از کنشگری کاربران

فضای مجازی محصول تحولات رخ داده در زمینه فناوری های ارتباطی و رسانه ای به ویژه ظهور و گسترش اینترنت و حال های مختلف ارتباطات کامپیوتر واسط است. از این رو می توان به همگرایی فزاینده میان اینترنت و فضای مجازی اشاره کرد و به همین رو با توسعه و فراگیر شدن اینترنت و فناوری های مرتبط با آن و استفاده فراوان از آنها، فضای مجازی تعیین و تحقق بیشتری می یابد. از مؤلفه های اساسی حوزه عمومی گفتگو و افکار عمومی و واکنش بدانییم، شبکه های اجتماعی به مثابه یک رسانه جدید، بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از آنهاست. افراد می توانند از طریق شبکه های اجتماعی به افراد و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود پردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان صدای مردم شکل بگیرد و هریک می توانند در مخالف با یک مسئله و موضوعی اجتماعی و سیاسی دست به کنش بزنند(مهديزاده:۱۳۸۳، ۱۲۱).

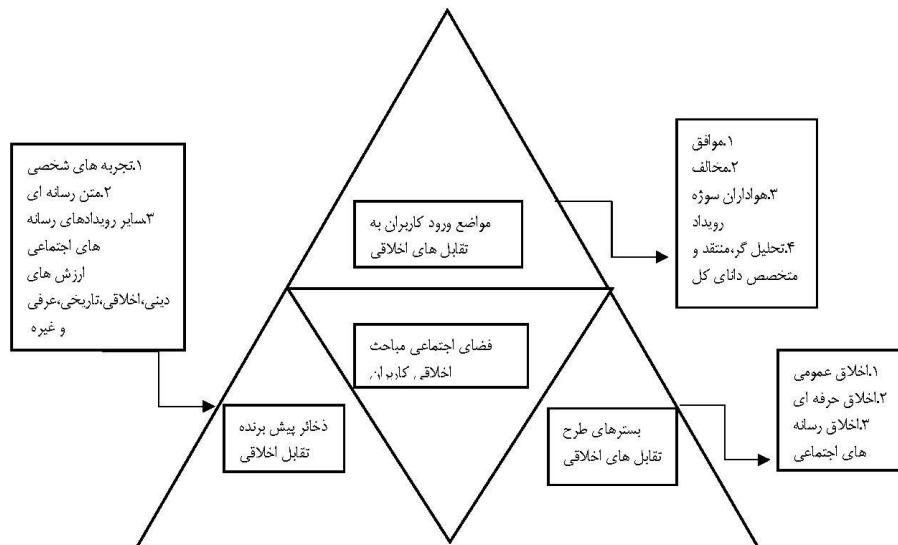
از میان شش رویداد که طی کنشگری کاربران در زوال و بازسازی ارزش های اخلاقی در شبکه اجتماعی اینستاگرام صورت گرفت دو رویداد بر سازنده ارزش اخلاقی ایثار و فداکاری و انسان دوستی و چهار رویداد موجب زوال ارزش های اخلاقی همچون دخالت در حریم خصوصی، قضاوت، متهم کردن و تخریب چهره افراد بود.

نمودار شماره ۱- تعداد زوال و برساخت شش رویداد جنجال برانگیز در شبکه اجتماعی اینستاگرام



تغییرات گسترده در زمینه های گوناگون در نتیجه تحولات فناورانه منجر به شکل گیری زیست بوم رسانه ای جدیدی در جامعه اطلاعاتی – شبکه ای شده است. در این زیست بوم جدید حول مسائل اخلاقی چالش ها و تقابل های بسیاری بین کاربران فضای مجازی شکل می گیرد. در این تقابل ها برخی مفاهیم و تعاریف سنتی از جمله در حوزه مسائل اخلاقی به چالش کشیده می شوند. این تحولات مجموعه مباحثی را در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات به وجود آورده است. به عنوان مثال مارویک و بوید (۲۰۱۴) از ظهور «حریم خصوصی شبکه ای» در فیسبوک خبر می دهند. این مدل از حریم خصوصی، متفاوت با مفهوم سنتی حریم خصوصی است و نتیجه بازنگری شبکه ای آن است. «حریم خصوصی شبکه ای» از دل تعاملات شبکه ای کاربران اینستاگرام شکل گرفته است. در این مقاله تقابل ها و زوال و بازتولید ارزش های کاربران در حوزه اخلاق برمبنای کنش ارتباطی هابرماس در فضای مجازی مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس با اتخاذ رویکرد اکتشافی در مطالعه ای کیفی در مورد شش رویداد جنجالی در رسانه اجتماعی مجازی اینستاگرام انجام شد که حول این شبکه اجتماعی در میان کاربران ایرانی تقابل های اخلاقی صورت پذیرفته بود. نتایج در قالب مدلی با عنوان «مثلث کنش گری کاربران در تقابل های اخلاقی رسانه های اجتماعی» در تصویر شماره ۲ عرضه شده است.

تصویر شماره ۲: مثلث کنشگری کاربران در تقابل ارزش های اخلاقی رسانه اجتماعی مجازی (اینستاگرام)



همانطور که در مدل برآمده از داده ها و یافته های تحقیق ترسیم شده است فضای مجازی زوال و برساخت اخلاقی کاربران را تحت تأثیر سه عامل اصلی قرار داده است. بستریایی برای طرح تقابل های اخلاقی وجود دارد که کاربران با اتخاذ مواضع متفاوتی از ذخائر پیش برنده تقابل های اخلاقی استفاده کرده و وارد بحث می شوند. بسترهای طرح تقابل های اخلاقی شامل اخلاق عمومی، اخلاق حرفه ای و اخلاق رسانه های اجتماعی هستند. در تمامی شش مورد مطالعه مشاهده شد که مباحث مربوط به اخلاق شبکه اینستاگرام با مباحث اخلاق عمومی جامعه درهم آمیخته است. همچنین در برخی موارد از جمله ویدئوی دختر آبی و انتشار عکس هایی از کودکی که توسط نامادری اش شکنجه شده مباحث کاربران در بستر اخلاق اجتماعی به وقوع پیوست. در موضوعات طلاق مهناز افشار و حمله به صفحه شخصی رامبد جوان مباحث با بستر اخلاق رسانه های جمعی و به طور خاص تلویزیون مرتبط بود.

ذخائر پیش برنده تقابل های اخلاقی نیز شامل تجربه های شخصی، متن های رسانه ای، سایر رویدادهای جنجالی رسانه های اجتماعی، سنت های مذهبی، ارزش های دینی، تاریخی و عرفی و اجتماعی و غیره که نمونه های فراوانی از آنها در شش رویداد دیده شد. مثلاً در خصوص رویداد انتشار صورت شکنجه شده دختر بچه توسط نامادری و درمان داوطلبانه و رایگان پزشک جوان در خصوص اخلاق پزشکی کاربران از تجربه های شان در مواجهه با پزشکان می گفتند و برای پیشبرد بحث شان در خصوص اخلاق رسانه ای از یک متن رسانه ای دیگر یعنی اخبار شبکه سه تلویزیون «۲۰:۳۰» کمک گرفته بودند.

ارجاع به سنت های مذهبی، ارزش های دینی، تاریخ، عرف های اجتماعی و مواردی از این دست نیز فراوان بود. مثلاً در رویداد حمله به صفحه شخصی شبمن نعمت زاده بسیاری از کاربران به ارزش های دینی و تاریخی مثل نخوردن مال بیت المال و به خطر انداختن جان مردم که در دین و اخلاق های فرهنگی ما نهی شده است استناد می کردند یا در ماجرای تولد فرزند رامبد جوان در خارج از کشور ارجاع های فراوانی به وطن پرستی، میهن دوستی و حفظ ارزش های ملی و اجتماعی می شد و برخی از کاربران که از سلبریتی ها بودن با آوردن مثال هایی سعی می کردند به طور مستند به بحث ورود کرده و گزاره های اخلاقی شان را مبنی بر وطن دوستی را مطرح کنند.

مواضع ورود کاربران به تقابل های اخلاقی را نیز می توان در چهار دسته خلاصه کرد. از آنجایی که رویدادی بحث برانگیز و جنجالی اخلاق- محور اتفاق افتاده، آن بحث و اتفاق **موافقان و مخالفانی** دارد که دو دسته از مواضع را مشخص می کردند. اما یک گروه قابل توجهی از مشارکت کنندگان، **هواداران- ضد هواداران** سوژه رویداد جنجالی بودند که مشارکت آنها در مباحث از زاویه عشق و نفرت به سوژه رویداد جنجالی بود. این شیوه ورود به خصوص در ماجرای حمله به اینستاگرام رامبد جوان، شبین نعمت زاده و کودکی که مورد شکنجه و آزار جسمی نامادری قرار گرفته بود. که البته این گروه از کاربران نه به خاطر دفاع از موضع موافقت و مخالفت با بحث اخلاقی که برای ابراز عشق و نفرت شان در صفحه اینستاگرام حضور پیدا می کردند. موضع چهارم ورود کاربران در جایگاه تحلیلگر، منتقد و **متخصص دانای کل** بود. این نوع کاربران از موضعی بالا به مباحث وارد می شدند و با طرح جملات و ادعاهای غیر قابل اثبات، خودشان را فراتر از دو گانه موافق یا مخالف بحث عرضه می کردند.

## نتیجه گیری

در این مقاله با مطالعه موردی شش رویداد جنجالی در اینستاگرام تقابل های اخلاقی در تعاملات کاربران رسانه های اجتماعی ایران مورد توجه قرار گرفت. مهمترین محورهای تقابل های اخلاقی شامل بحث درباره اخلاقی- غیر اخلاقی بودن رویداد، شناسایی مقصر، شیوه مقابله با مقصر و جلوگیری از تکرار موارد مشابه بودند. اصلی ترین محور چالش کاربران در تقابل های اخلاقی دعوا و بحث بر سر اخلاقی- غیر اخلاقی بودن رویداد جنجالی است. از معدود رویدادهای جنجالی که اجماعی نسبی در مورد غیر اخلاقی بودن آن بین کاربران وجود داشت انتشار ویدئویی از رامبد جوان به همراه همسر باردارش و بدون حجاب، موقع خرید کردن در خارج از کشور بود. ولی در سایر موارد بحث های جدی بین کاربران در خصوص اخلاقی- غیر اخلاقی بودن این رویدادها وجود داشت. در حالیکه از نگاه اخلاق عمومی سنتی و حتی اخلاق رسانه ای و روزنامه نگاری کلاسیک برخی تحلیل گران «غیر اخلاقی» بودن برخی از این رویدادها را مسلم فرض می کردند، مخالفان اطلاق صفت «غیر اخلاقی» به این رویدادها پر شمار و زیاد بودند و برای ادعای شان استدلال هایی را مطرح می کردند. از این روست که می توان از نوعی تغییر نگرش نسبت به تعاریف پذیرفته شده در اخلاق رسانه ای در میان برخی جماعت های کاربران رسانه های اجتماعی صحبت کرد و در این مسیر گاهی بین رسانه های رسمی و رسانه های اجتماعی مجازی در این خصوص تفاوت ها و تناقض های جدی به وجود می آمد. براساس کنش ارتباطی هابرماس، شبکه های مجازی امکان تعامل و ارتباط را در قالب اجتماعی و به صورت شبکه ای برای کاران شان فراهم آورده اند. پایه تعامل در این شبکه ها صفحات شخصی است؛ که با توجه به علاقه، نیاز و عقیده کاربر ویرایش و شخصی سازی و بروز رسانی می شود. کاربران از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی می توانند پروفایل ها و صفحات شخصی برای خودشان بسازند و با دوستانشان در ارتباط باشند و نظرات خود را در مورد رویدادهای مختلف به اشتراک بگذارند.

پس از وقوع یک امر غیر اخلاقی و پذیرفتن آن این سؤال پیش می آید که مقصر این رویداد چه کسی یا کسانی هستند؟ در این بحث برخی یک گروه، دسته، جماعت یا نسل خاصی را مقصر می دانستند. در خصوص رویداد حمله به صفحه شبین نعمت زاده بسیاری این ادعا را مطرح می کردند که حمله کنندگان اغلب اقشار متوسط و محروم جامعه هستند که تحت فشار اقتصادی و تبعیض اجتماعی هستند و یا بیماران خاص که قربانی قاچاق داروهای فاسد می شوند. در ایمن میان برخی کاربران عوامل دولتی از قبیل مدیران و وزیران مفسد و ناکارآمد را مقصر دانسته و برخی همدستی نیروهای دولتی با

عوامل خائن و توطئه گر را مطرح می کردند. مثلاً بدخواهان متفاوتی توسط برخی از کاربران مطرح شد: آقازاده هایی که از موقعیت سیاسی و قدرتمند خود در جهت چپاول و دزدی استفاده می کنند، حاکمیت ایران افراد خائن دولتی را مجازات نمی کند، این رانت خوارها به مراجع بالا وصل هستند و گرنه نمی توانند اینگونه به مردم خیانت کنند و خون مردم را داخل شیشه کنند. و غیره.

البته در این فضای گفتگو و بحث در اینستاگرام در مورد وقایع و عملکرد افراد برخی ارزش های اخلاقی نیز بر ساخته می شود و بسیار مورد استقبال کاربران قرار می گیرند و حتی تلویزیون و مطبوعات نیز به میان می آیند و به گسترده شدن و علنی شدن این ارزش اخلاقی دامن می زنند نظیر دکتر جوانی که فک و دندان های معصومه را رایگان درمان می کند تا آلام دردها و روح زخمی او باشد و یا مدیر و معلم مدرسه ای در مناطق محروم کرمان که از جان و مال خود هزینه می کنند تا مدرسه تخریب شده بر اثر زلزله را برای دانش آموزان آماده سازند. کاربرا در برابر این رویداد اخلاقی واکنش های هیجانی نشان می دهند و در مباحث شان عباراتی چون؛ هنوز انسانیت و معنویت هم در افراد وجود دارد، اقدام این پزشک جوان الگوی بسیاری از پزشکان مادی قرار بگیرد، یا در خصوص اقدام اخلاقی مدیر مدرسه نظرات زیادی در مورد ستایش کار مدیر مدرسه و کوتاهی مسئولان آموزش و پرورش را در خصوص نیازهای دانش آموزان مطرح می کنند.

از سوی دیگر کاربران در مباحث شان در خصوص شیوه های مقابله با رویداد غیر اخلاقی به طور خاص و رویدادهای مشابه به صورت عام توافق نداشتند. درخواست برای ورود نهادهای رسمی مرتبط و مجازات خاطیان از جمله اصلی ترین گزینه های کاربران برای مقابله بود. در موارد مرتبط با نامادری که دختر بچه را شکنجه داده بود برخی کاربران درخواست ورود سازمان بهزیستی و نهادهای دولتی و بهداشتی برای شناسایی و جلوگیری از آسیب کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست شدند. در موارد مرتبط با تلویزیون نیز برخی از مسئولان صدا و سیما در خواست اطلاع رسانی و آگاهی دهی برای هوشیارسازی و تشویق از اقدامات اخلاق و ضد اخلاقی داشتند.

اما دو سطح دیگر مباحث مقابله ای یعنی «خودکنترلی و توسعه فرهنگ و اخلاق شبکه ای از طریق آموزش» و استفاده از ابزارهای فنی شبکه ای» موارد قابل توجهی هستند که در بازاندیشی اخلاق رسانه در فضای جدید مجازی و شکل دهی به «اخلاق شبکه ای» اهمیت قابل توجهی دارند. برخی به لزوم خودکنترلی در این فضا تأکید داشتند و در این راه پیشنهادهای عملی را مطرح می کردند. مثلاً در عکس های شکنجه شده معصومه بسیاری از کاربران اظهار کردند علی رغم دسترسی به این عکس ها، دل دیدن آن را نداشتند ولی ویدئویی که از اقدامات پزشک جوان برای درمان معصومه را دیدند و آن را باز نشر دادند تا این ارزش اخلاق و انسانی الگوی بقیه آحاد پزشکان قرار بگیرد. یعنی در این فضا برخی کاربران نهی از دیدن رویدادهای غیر اخلاقی می شوند و در جای دیگری که پای اخلاق به میان می آید امر به دیدن و باز نشر آن می شوند. شیوه دیگر «استفاده از ابزارهای فنی شبکه ای» بود. همچنین پیام هایی که دستورالعمل های مربوط به ریپورت کردن موارد تخلف در رسانه های اجتماعی را ترویج می کرد نیز در این گروه می گنجد. هر یک از این مباحث سرفصل های جدیدی در اخلاق رسانه های اجتماعی هستند و پیشنهاد می شود در مطالعات آینده به طور مستقل مورد توجه برای سایر پژوهش ها قرار بگیرد.

در پایان به نظر می رسد برخی کاربران ایرانی رسانه های اجتماعی از جمله اینستاگرام را از دل کنش گری ها و تعامل هایی که در این مقاله تشریح شد در مسیر تغییر نگرش در مفهوم اخلاق رسانه و فراتر از آن اخلاق عمومی هستند. آنچه آنچنان که در مدل کنشگری تصویر ۲ توصیف شد، کاربران در این مسیر با مواضع متفاوتی برای ورود به بحث در زمینه های

مختلف از ذخائر بهره می گیرند تا حول چالش های سه گانه به بحث و تبادل نظر بپردازند. همینطور می توان گفت فرایند تعاملات و مباحث اخلاقی کاربران در رسانه های اجتماعی فرایندی پویا و فعال و بی پایان است.

شناخت دقیق ماهیت و هستی رسانه های اجتماعی ما را به این نقطه نظر هدایت می کند که در رسانه های اجتماعی برخلاف سایر اشکال قدیمی تر رسانه، نمی توان اخلاق را از طریق تدوین دستورالعمل های دستوری نوشت و توصیه کرد. بنابراین می توان مدعی شد چنین رویکردی به اخلاق رسانه ای جدید به خصوص رسانه های اجتماعی مثر ثمر نخواهد بود. ولی این به آن معنا نیست که اخلاق در رسانه های جدید جایی ندارد زیرا همانطور که مشاهده شد برخی ارزش های والای اخلاقی در رسانه های مجازی بر ساخته می شوند به گونه ای که اشاعه آن در فضای حقیقی چندان آسان نخواهد بود. براساس نتایج تحقیق کنشگری تقابل های اخلاقی در بسترهای متفاوتی مانند اخلاق عمومی، اخلاق حرفه ای و اخلاق رسانه های اجتماعی در جریان است. کاربران رسانه ای اجتماعی به عنوان شهروندی دارای ارزش ها و نگرش ای متفاوت دیگاه های مختلفی درباره مسائل اخلاقی رسانه ای در حال تعریف و توسعه است که حول محورهای خودکنترلی، بانشر و استفاده از قابلیت های شبکه های مجازی دسته بندی و کاربردی می شود.

## منابع

### فارسی:

- اسپنس، ادوارد اچ؛ الکساندر، اندرو؛ کوئین، آرون؛ و دان، (۱۳۹۳)، «فساد در رسانه ها»، ترجمه حبیب الله معظمی، تهران، انتشارات سروش.
- ارمکی، تقی و یحیی امامی، (۱۳۸۳)، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی؛ بررسی موردی چند تشکل دانشجویی»، **مجله جامعه شناسی ایران**، شماره ۵۸، ۱-۸۹.
- ببران، صدیقه؛ خانیکی، هادی؛ و طاهریان، محبوبه (۱۳۹۳)، «رعایت اصول اخلاق حرفه ای در خبرهای خبرگزاری های رسمی ایران»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۲۷.
- سعیدی، سینا؛ حاجی حسینی، حجت اله؛ و سعیدی، صبا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر نقض قانون حق نشر توسط کاربران اینترنت، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، سال هشتم، شماره ۲، ۲۴.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- کلیر، گلن و مارتین، رویستون (۱۳۹۰)، **فرهنگ های دیجیتال: درک رسانه های جدید**، ترجمه مرضیه وجدانی، تهران، انتشارات ساقی.
- لیندولف، تامس و تیلور، برایان، (۱۳۸۸) **روش های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات**، ترجمه عبدالله گیویان، تهران، همشهری.
- معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۵)، «اصول اخلاق حرفه روزنامه نگاری: زمینه های تاریخی، مقررات گذاری ملی و پژوهش های جهانی»، **فصلنامه رسانه**، سال ۱۷، شماره ۲، ۶۶.
- میناوند، محمدقلی، (۱۳۸۷)، «مقدمه ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در فضای مجازی)»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۲۵۳، ۲-۲۷۵.
- نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۹)، **بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر آراء اندیشه ها و نظریه های یورگن هابرماس**، تهران، نشر چشمه.
- مولایی، محمد مهدی، (۱۳۹۱)، «مسائل اخلاقی عصر رسانه های اجتماعی»، **ماهنامه دنیای کامپیوتر و ارتباطات**، سال دوازدهم، شماره ۱۱۲.
- هوسمن، کارل (۱۳۸۸)، **بحران و وجدان: اخلاق روزنامه نگاری**، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.

### لاتین:

- Eronen, Maria (2013). Moral argumentation as a rhetorical practice in popular online discourse: Examples from online comment sections of celebrity gossip. **DISCOURSE & COMMUNICATION**. 8 (3): 278-298.
- Kaplan, Andreas M. and Haenlein, Michael (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. **Business Horizons**. 53 (1): 59°68.
- Light, Ben and McGrath, Kathy (2010). Ethics and social networking sites: a disclosive analysis of Facebook. **Information Technology & People**. 23 (4): 290°311.
- Marwick, Alice E. and boyd, danah (2014). Networked privacy: How teenagers negotiate context in social media. **New Media & Society**. 16 (7): 1051-1067.
- Ries, Tonia (2011). **Ethics in the Age of Social Media: What Kind of a Future Are We Building?**, The Realtime Report, Retrieved March, 24, 2015. URL: <http://therealtime.com/2011/12/20/ethics-in-the-age-of-social-media-what-kind-of-a-future-are-we-building>.

